



مسئولیت آموزش عمومی را به بخش خصوصی واگذار و از دوش خود سلب می کند.» او معتقد است آموزش و پرورش باید در حوزه تربیت معلم عملکرد موثرتری داشته باشد: «مشکل اساسی در این حوزه، ضعف برنامه‌های تربیت معلم است. تجربه من از دانشگاه فرهنگیان نشان می‌دهد که این مرکز در بسیاری از موارد نتوانسته نیازهای واقعی نظام آموزشی را پاسخ دهد. بسیاری از معلمان تازه‌کار حتی با مفاهیم پایه‌ای آموزش، مانند روش‌های فعال یادگیری یا اصول طراحی طرح درس، آشنا نیستند و تدریس آن‌ها محدود به سخنرانی و آزمون‌های سنتی است.» به گفته او، برخی موسسات غیردولتی با همکاری آموزش و پرورش مناطق، اقدام به شناسایی و آموزش معلمان مدارس دولتی در مناطق کمرخوردار می‌کنند، اما این اقدامات محدود و پراکنده است.

«م»؛ یکی دیگر از معلمان مدارس غیردولتی است که نمی‌خواهد نام‌ش در گزارش بیاید. او از شکاف طبقاتی و اقتصادی به «هم‌میهن» می‌گوید که سبب شده مدارس غیردولتی نتوانند گرینش‌های معمول و پیشین خود را داشته باشند: «چون در وهله اول، اولویت آن‌ها یافتن خانواده‌هایی است که توان پرداخت شهریه را داشته باشند.» به گفته او، ۱۰ سال پیش امکان اعمال گرینش‌های دقیق‌تر و انتخاب دانش‌آموزانی که واجد معیارهای مدنظر مدرسه بودند فراهم بود، اما اکنون این امکان بسیار محدود شده است: «شکاف اقتصادی ایجاد شده، تا حد زیادی مانع از اعمال گرینش‌های اعتقادی یا تربیتی شده و ترکیب دانش‌آموزان در مدارس خاص از یکدست‌ی پیشین برخوردار نیست و تنها وجه اشتراک عمده این دانش‌آموزان آن است که خانواده‌های آنها همگی در دهک‌های بالای درآمدی قرار دارند.»

به نظر می‌رسد با سخت‌تر شدن یافتن خانواده‌هایی که توان پرداخت شهریه‌های بالا را داشته باشند، مدارس ناگزیر از کوه‌تا آمدن از برخی ارزش‌های پیشین خود شده‌اند و رویکردی تجاری‌تر پیش گرفتند؛ چون فضای رقابت میان مدارس دشوارتر شده است: «مدارس خاص برای توجیه این وضعیت، بیان می‌کنند که به شکاف طبقاتی آگاهند و می‌دانند هرکسی نمی‌تواند وارد مدارس آنها شود، اما هدف خود را «پرورش نسل آینده مدیران» عنوان می‌کنند. آنها بر این باورند که این مدیران آینده با کیفیت آموزشی بالاتری که دریافت می‌کنند، قادر خواهند بود عدالت را در جامعه برقرار سازند.» او بر این باور است که چنین نگاهی «مکانیکی» است و به این موضوع توجه ندارد که خود این روند، بخشی از مسئله است: «حتی اگر این مدارس در پرورش مدیران آینده موفق باشند، تربیت این افراد در محیطی ایزوله، سبب می‌شود که درک عمیقی از افشار مختلف جامعه نداشته باشند.»

او در پاسخ به سوالی درباره نقش آموزش و پرورش در شکل‌گیری این وضعیت می‌گوید: «این نهاد به تمام این مسائل آگاه است، اما به‌نظر می‌رسد قادر به مداخله مؤثر نبوده و حتی تا حدودی با ایجاد و استمرار مدارس خاص، بار مسئولیت خود را سبک‌تر کرده است.» به گفته «م»، در صورتی که خانواده‌های صاحب‌نفوذ امکان ثبت‌نام فرزندان خود در مدارس خاص را نداشته باشند، ناگزیر خواهند بود آنان را به مدارس دولتی بفرستند و در آن صورت، احتمال اعتراض به کیفیت پایین آموزش عمومی افزایش می‌یابد: «وجود مدارس خاص موجب می‌شود که مدارس دولتی بتوانند با کیفیت فعلی - که نفع‌تها در حد صفر نیست، بلکه گاه منفی ارزیابی می‌شود - به فعالیت خود ادامه دهند.» او با انتقاد از شیوه آموزش معلمان در سال‌های اخیر می‌گوید: «بخش زیادی از معلمان، به‌ویژه آنانی که در ۱۰ سال اخیر مشغول به تدریس شده‌اند، حتی یک‌سال آموزش حرفه‌ای ندیده‌اند و آموزش‌های آنان محدود به چند کارگاه آنلاین کوتاه‌مدت بوده است. علاوه بر این، هیچ‌گونه گزینش علمی یا روان‌شناختی جدی برای ارزیابی صلاحیت آن‌ها صورت نگرفته است.»

به نظر می‌رسد که این روند نوعی همکاری نانوشته و غیرعلنی میان مدارس خاص، خانواده‌ها و نظام آموزشی ایجاد کرده است که منافع متقابل را تأمین می‌کند؛ مدارس خاص درآمد بالایی کسب

می‌کنند، خانواده‌ها از آموزش نسبتاً باکیفیت‌تر فرزندان خود راضی هستند و نظام آموزشی هم با کاهش فشار عمومی مواجه می‌شود. اما بازنده اصلی این وضعیت، جامعه و افشار ضعیف‌تر آنند.

باز تولید طبقه اجتماعی خاص در مدارس

زهر وکیل، معلم دیگری است که در مدارس غیردولتی مشغول به تدریس است. او معتقد است، نمی‌توان کلیت مدارس غیرانتفاعی را به یک‌شکل در نظر گرفت، زیرا برخی مدارس غیرانتفاعی استناداردهای مناسبی دارند و برخی دیگر چنین نیستند؛ این شرایط در مدارس دولتی نیز وجود دارد. او به «هم‌میهن» درباره تفاوت‌های مدارس دولتی و غیردولتی می‌گوید: «مدارس غیرانتفاعی بسیار متنوع‌اند؛ برخی فقط به‌دنبال فراهم کردن فضایی سالم و امن برای کودکانند تا تجربه‌ای خوشایند و مثبت داشته باشند و دغدغه آموزش چندانی ندارند، در حالی که برخی دیگر به‌طور خاص برای موفقیت در کنکور و رتبه‌آوری، هدف‌گذاری شده‌اند. مدارس غیرانتفاعی توجه ویژه‌ای به خواسته‌ها و انتظارات مخاطبان خود دارند. این یکی از تفاوت‌های کلیدی مدارس غیرانتفاعی است.» به گفته او تفاوت کیفی در آموزش میان مدارس دولتی و غیرانتفاعی وجود دارد: «می‌توان مدرسه قوی دولتی را با مدرسه قوی غیرانتفاعی مقایسه کرد، اما تنوع و تکثر مدل‌های آموزشی که در مدارس غیرانتفاعی دیده می‌شود، در مدارس دولتی کمتر وجود دارد.» وکیل خانواده‌هایی را دیده که لزوماً نه برای آموزش بهتر، که برای بازتولید طبقه اجتماعی که به آن تعلق دارند فرزندان‌شان را در مدارس غیردولتی ثبت‌نام کردند: «در مدارس غیرانتفاعی، برخی مدارس بسیار پیشرفته و خلاق‌اند و محدودیت‌ها و قیود مدارس دولتی را ندارند؛ در حالی که برخی دیگر فضای کنکوری و آزمون‌های مکرر دارند و تفاوتی با مدارس نمونه‌مدرمی سابق ندارند. این تنوع گسترده است، اما نکته‌ای که به‌نظم مهم است این است که خانواده‌هایی که فرزندان‌شان را در مدارس غیرانتفاعی ثبت‌نام می‌کنند، الزاماً به‌دنبال آموزش بهتر نیستند، بلکه گاهی هدف‌شان بازتولید طبقه اجتماعی مطلوب و تضمین امنیت اخلاقی و کنترل محیط‌برای فرزندان‌شان هستند.» چنین انتخاب‌هایی در مدارس دولتی کمتر دیده می‌شود: «چون مدرسه دولتی چارچوب‌های مشخص آموزش و پرورش را رعایت می‌کند و خانواده‌ها معمولاً براساس محل سکونت، فرزندشان را ثبت‌نام می‌کنند.» به گفته او در تهران، شهریه مدارس غیرانتفاعی در مقطع دبستان و متوسطه اول از ۸۰ تا ۹۰ میلیون تومان شروع می‌شود و ممکن است تا ۲۵۰ میلیون تومان هم برسد: «در مقطع متوسطه دوم، هزینه‌ها معمولاً بالاتر است و شرایط متفاوتی دارد.» وکیل در ادامه درباره تفاوت حقوق معلمان در مدارس دولتی و غیردولتی می‌گوید: «معلمان رسمی معمولاً قرارداد پنج روز هفته دارند، ولی حقوق‌شان پایین است؛ اما این امکان را دارند که کار دوم هم داشته باشند. در مدارس غیرانتفاعی، معمولاً حقوق معلمان بالاتر است و ممکن است از یک‌وینیم برابر تا دووینیم برابر حقوق مدارس دولتی باشد.»

وکیل بر این باور است که این سیستم و عملکرد، بازتولید بی‌عدالتی آموزشی در کشور است: «وقتی نگاهی به نظام آموزشی می‌اندازیم، می‌بینیم که اغلب افراد بر جسته سیاسی و فرهنگی از طبقه خاص اجتماعی و مدارس خاصی فارغ‌التحصیل شده‌اند که این خود پیام واضحی درباره بی‌عدالتی است.» او بر این باور است که آنچه در مدارس غیرانتفاعی دیده می‌شود، اغلب با سبک زندگی و طبقه اجتماعی خاصی همراه است و دانش‌آموزان در محیط‌های متفاوت از هم رشد می‌کنند: «این مسئله باعث ایجاد فاصله و تفاوت‌های اجتماعی می‌شود.» او یکی از راه‌های کاهش این نابرابری را ایجاد تعامل میان دانش‌آموزان مدارس دولتی و غیردولتی می‌داند: «بهتر است برنامه‌ها و پروژه‌هایی طراحی شود که مدارس دولتی و غیرانتفاعی با هم تعامل داشته باشند و دانش‌آموزان در رویدادها و برنامه‌های مشترک شرکت کنند تا این فاصله‌ها کاهش یابد و تبعیض کمتری ایجاد شود.»

دریافت هزینه‌های سرسام‌آور، مدارس غیردولتی را ملزم به پاسخگویی به خانواده‌ها می‌کند: «اغلب مدارس غیرانتفاعی به‌دلیل دریافت شهریه، مجبورند پاسخگو باشند و این موجب تعهد بیشتری به کیفیت می‌شود، در حالی که مدارس دولتی به‌دلیل محدودیت منابع و عدم پاسخگویی دقیق، ممکن است کیفیت پایین‌تری داشته باشند.»

تعطیلی ۲۲ مدرسه در ۳ ماه گذشته

وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده که سقف شهریه برای مدارس غیردولتی در سال تحصیلی جدید، ۱۴۵ میلیون تومان است؛ عددی که تفاوت فاحش با برخی از اعداد اعلام‌شده از سوی خانواده‌ها دارد. احمد محمودزاده، رئیس اداره مدارس غیردولتی آموزش و پرورش درباره این اختلاف به «هم‌میهن» می‌گوید: «شهریه‌ای که ما اعلام می‌کنیم، مربوط به برنامه درسی و فوق برنامه است. وقتی مدرسه، شهریه‌ای اعلام می‌کند، برخی تصویری کنند این مبلغ شامل لباس، غذا، سرویس ایاب‌وذهاب و فعالیت‌های آموزشی‌گاهی است که باعث ایجاد تناقض می‌شود. اگر این موضوع به‌طور دقیق مشخص شود، بسیاری از مشکلات مدارس ما حل خواهد شد و دوگانگی برطرف می‌شود.» به گفته او اگر شهریه‌ای با در نظر گرفتن این موارد، بالاتر از مبلغ اعلام‌شده اعلام شود، آن مدرسه جزو مدارس متخلف محسوب شده و آنها گزارش‌های مردمی درباره آن را پیگیری می‌کنند: «ثبت این گزارش‌ها از طریق سامانه امکان‌پذیر است و مردم می‌توانند گزارش یا شکایت‌هایشان را ثبت کنند. گزارش‌ها می‌تواند بدون ذکر نام و مشخصات باشد، اثابث شکایت‌های همراه با نام و مشخصات هم امکان‌پذیر است.»

محمودزاده از تعطیلی ۲۲ مدرسه در سه‌ماهه اخیر به‌دلیل تخلفات مرتبط با شهریه خبر می‌دهد: «ما بازدیدهای میدانی هم داریم و در صورتی که به تخلف شهریه یا سایر تخلفات برسیم، اقدامات لازم را انجام می‌دهیم. به‌عنوان نمونه، در گزارش‌های سه‌ماهه اخیر ۱۰۴ مدرسه توسط شورای نظارت بررسی شده‌اند که با ۲۲ مورد از این مدارس برخورد شده است؛ برخی تعطیلی موقت و برخی تعطیلی دائم داشته‌اند.» به گفته او مدیریت مدارس براساس پیشنهاد موسس مدرسه است: «مدیریت مدارس می‌تواند از بین نیروهای رسمی آموزش و پرورش، نیروهای آزاد، همچنین بازنشستگان به پیشنهاد موسس مدرسه انتخاب شود. اما اولویت با بازنشستگان است و ما از آنها به وفور استفاده می‌کنیم، مگر در مواردی که استعلامی داشته باشند که به‌ما مربوط نیست.»

محمودزاده در پاسخ به سوالی درباره نظارت روی مدارس غیردولتی می‌گوید: «نظارت ما بر مدارس صرفاً مبتنی بر گزارش‌های مردمی نیست، بلکه شورای نظارت، وظایف متعددی در این زمینه برعهده دارد، از جمله صدور مجوزها، وظیفه مهم دیگر، نظارت شورا بر همه شاخص‌ها و حوزه‌ها از جمله مسائل آموزشی است. به‌طور مثال، در حال حاضر دوره متوسطه دوم را مورد تحلیل قرار داده‌ایم و نمرات مدارس را بررسی می‌کنیم. براساس وضعیت آموزشی هر مدرسه، تصمیماتی از جمله مدیریت شهریه، تذکر، توبیخ یا تشویق گرفته می‌شود. همچنین بازدیدهای دوره‌ای توسط معاونان آموزشی و پرورشی با همکاری حوزه مدارس غیردولتی انجام می‌پذیرد و گزارش‌ها تحلیل و بررسی می‌شود.» در حال حاضر تحلیل‌های آماری انجام‌شده در دوره‌های تحصیلی دهم، یازدهم و دوازدهم به تفکیک منطقه، جنسیت و پایه تحصیلی در اختیار مدیران کل مناطق قرار گرفته است: «برخی از این اطلاعات محرمانه است، اما به‌طورکلی می‌دانیم کدام مدارس به‌عنوان مثال در درسی مانند عربی در کشور وضعیت بهتری دارند و کدام بدتر. این داده‌ها پایه برنامه‌ریزی ما هستند.» محمودزاده درباره رویکردی که آنها برای افزایش مبلغ شهریه در سال جدید داشتند، می‌گوید: «ما برای افزایش شهریه، امسال سه رویکرد داشتیم، اول واقعی‌سازی شهریه به‌گونه‌ای که مبلغ اعلام‌شده با واقعیت مدرسه هماهنگ باشد تا دوگانگی ایجاد نشود و مردم به ما اعتماد کنند. دوم، توجه به کیفیت آموزشی در مدارس غیرانتفاعی یا شهریه‌پایین، به‌گونه‌ای که کیفیت آموزش کاهش نیابد. سوم، رعایت قانون ۳۰ ساعته‌شدن تدریس معلمان براساس قانون مصوب سال گذشته مجلس؛ یعنی اگر معلمی کمتر از ۳۰ ساعت تدریس کند، حقوقش متناسب با آن کاهش یابد.» به گفته او افزایش شهریه‌ها براساس الگوی مشخصی صورت می‌گیرد که هفت‌شاخص دارد و به‌عنوان مثال در یک شاخص ۱۵۰۰ مورد برای بررسی وجود دارد و این شاخص‌ها برای همه مدارس یکسان نیست: «هر مدرسه شاخص‌های خود را ارائه می‌دهد، سپس منطقه بررسی و تأیید یا رد می‌کند. اگر تأیید شود، به استان ارسال و پس از تأیید نهایی، ابلاغ می‌شود.» محمودزاده اجرای این رویکرد را براساس مواد ۱۵ و ۱۶ قانون تأسیس مدارس غیردولتی می‌داند و می‌گوید: «هیچ‌کس نمی‌تواند خارج از این چارچوب عمل کند. البته تخلف ممکن است رخ دهد که با آن برخورد خواهد شد، اما کلیت فرآیند مشخص و شفاف است.»

به‌طورکلی می‌دانیم کدام مدارس به‌عنوان مثال در درسی مانند عربی در کشور وضعیت بهتری دارند و کدام بدتر. این داده‌ها پایه برنامه‌ریزی ما هستند.» محمودزاده درباره رویکردی که آنها برای افزایش مبلغ شهریه در سال جدید داشتند، می‌گوید: «ما برای افزایش شهریه، امسال سه رویکرد داشتیم، اول واقعی‌سازی شهریه به‌گونه‌ای که مبلغ اعلام‌شده با واقعیت مدرسه هماهنگ باشد تا دوگانگی ایجاد نشود و مردم به ما اعتماد کنند. دوم، توجه به کیفیت آموزشی در مدارس غیرانتفاعی یا شهریه‌پایین، به‌گونه‌ای که کیفیت آموزش کاهش نیابد. سوم، رعایت قانون ۳۰ ساعته‌شدن تدریس معلمان براساس قانون مصوب سال گذشته مجلس؛ یعنی اگر معلمی کمتر از ۳۰ ساعت تدریس کند، حقوقش متناسب با آن کاهش یابد.» به گفته او افزایش شهریه‌ها براساس الگوی مشخصی صورت می‌گیرد که هفت‌شاخص دارد و به‌عنوان مثال در یک شاخص ۱۵۰۰ مورد برای بررسی وجود دارد و این شاخص‌ها برای همه مدارس یکسان نیست: «هر مدرسه شاخص‌های خود را ارائه می‌دهد، سپس منطقه بررسی و تأیید یا رد می‌کند. اگر تأیید شود، به استان ارسال و پس از تأیید نهایی، ابلاغ می‌شود.» محمودزاده اجرای این رویکرد را براساس مواد ۱۵ و ۱۶ قانون تأسیس مدارس غیردولتی می‌داند و می‌گوید: «هیچ‌کس نمی‌تواند خارج از این چارچوب عمل کند. البته تخلف ممکن است رخ دهد که با آن برخورد خواهد شد، اما کلیت فرآیند مشخص و شفاف است.»

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای (به صورت فشرده)		
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد خدمات مورد نیاز خود را با شرایط ذیل به صورت برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) تأمین نماید:		شرکت ملی گاز ایران شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی
شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۰۴۰۹۷۲۳۴۳۰۰۰۵۲۸	
شماره مناقصه	۱۴۰۳/۲۲۱ (تجدید)	
موضوع مناقصه	به روزرسانی سیستم حفاظتی HIPS با لایشگاه دوم	
مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	۱۶۴,۸۸۶,۰۰۰ ریال	
نوع تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	تضامین قابل قبول وفق آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۳۴۳۴۰۲/۱۳۳۴۰۲۹۲۵۶۵۸ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران	
مبلغ برآورد اولیه مناقصه	۶۴,۹۹۷,۸۰۰ ریال و ۳۳۹,۲۲۵ یورو	
برنامه زمانی مناقصه (جزء ۴ بند ماده ۱۳ قانون برگزاری مناقصات)	مطابق با برنامه زمانی مندرج در سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد)	
آدرس مناقصه‌گزار	استان بوشهر، شهرستان عسلویه، شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، با لایشگاه دوم	
► بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه به صورت الکترونیکی و از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) انجام می‌پذیرد و به پیشنهادهای ارائه شده خارج از سامانه ستاد هیچ‌گونه ترتیب‌آوری داده نخواهد شد.		
► کلیه مناقصه‌گران بایستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند.		
► مناقصه‌گزاران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن‌های ۳۹۵۵ و ۲۷۳۱۳۱۳۹۵ تماس حاصل فرمایند		
روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی		
نشانه آگهی: ۱۹۸۰۲۰		

نگاه حقوق‌دان

کارزار؛ صدای مردم یا صدای خاموش‌شده؟



محمدهادی جعفرپور

وکیل دادگستری

در سال‌های اخیر، سایت «کارزار» توانسته است جایگاهی کم‌نظیر در میان فعالان مدنی و شهروندان عادی پیدا کند. این وب‌سایت با فراهم کردن امکان ایجاد و امضای پویش‌های مردمی، مسیر تازه‌ای برای طرح دغدغه‌ها، مشکلات و پیشنهادات به مسئولان ایجاد کرده است. مسیری که هم شفاف و قانونی است، هم به‌دور از هیاهوی فضای غیررسمی و غیرقابل کنترل. کارزار در عمل به پلی میان مردم و حاکمیت تبدیل شده است. تجربه‌نشان می‌دهد که بسیاری از مطالبات مطرح‌شده در این بستر، به بررسی در نهادهای رسمی و حتی تغییر یا اصلاح برخی تصمیمات منجر شده است. این کارکرد، به‌ویژه در شرایطی که راه‌های ارتباط مستقیم شهروندان را تصمیم‌گیران محدودتر شده، اهمیت مضاعفی دارد.

با این وجود، نشانه‌هایی از محدودسازی یا اعمال محدودیت بر فعالیت این سایت دیده می‌شود. چنین رویکردی، در تعارض آشکار با اصل آزادی بیان و مشارکت مدنی قرار دارد و می‌تواند یکی از معهود کاتال‌های رسمی و قابل اعتماد انتقال مطالبات را از بین ببرد. تجربه تاریخی نشان داده است که بستن راه‌های قانونی و شفاف بیان ناراضیاتی، صدای مردم را خاموش نمی‌کند، بلکه آن را به مسیرهای غیررسمی و بعضاً پرخطر سوق می‌دهد.

امروز جامعه بیش از هر زمان دیگری به کانال‌های شفاف، قانونی و پاسخگو برای گفت‌وگو با حاکمیت نیازمند است. مسئولان می‌توانند با نگاهی حمایتی و تسهیلگر، از ظرفیت کارزار نفع‌تها برای شناسایی مشکلات و رصد افکار عمومی استفاده کنند، بلکه آن را ابزاری برای یافتن راه‌حل‌های مشارکتی بدانند. چنین رویکردی می‌تواند سرمایه اجتماعی را تقویت کند، اعتماد عمومی را افزایش دهد و از انباشت بحران‌های اجتماعی جلوگیری کند.

صدای مردم اگر شنیده نشود، هرگز خاموش نمی‌شود؛ تنها مسیرش تغییر می‌کند. و هیچ مسیری شفاف‌تر و کم‌هزینه‌تر از بستری چون «کارزار» برای شنیدن این صدا وجود ندارد. وقت آن رسیده که به‌جای محدودسازی، از این فرصت برای گفت‌وگوی واقعی با جامعه بهره گرفته شود.

خبرسازان

۳ سال برای بازسازی خانه‌های جنگ‌زده

ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران درباره روند بازسازی خانه‌های جنگ‌زده گفته است که اخیراً گفتند، ۵۰ واحد نیاز به تخریب و نوسازی دارد. نمی‌دانم این آمار چقدر صحت دارد. ولی اگر هم درست باشد حداقل سه سال زمان خواهد برد. به گزارش ایلنا، او درباره چالش‌های بازسازی خانه‌های جنگ‌زده گفت: «مهم‌ترین چالش برای بازسازی، کمبود ماشین‌آلات و دستگاه‌های تخصصی آواربرداری است که متناسب با نیاز فعلی، در اختیار سازمان آتش‌نشانی تهران (به‌عنوان متولی اصلی) قرار ندارد.» امانی ادامه داد: «از سوی دیگر لازم است محل‌های دیوپی نخاله‌ها برای هریک از ساختمان‌های آسیب‌دیده به‌طور جداگانه پیش‌بینی شود که امر نیز مستلزم صرف زمان است. علاوه بر این، حصول توافق با مالکان جهت تعیین تکلیف روند کار پس از آواربرداری ضروری می‌باشد. هم‌اکنون شهرداری در حال مذاکره با مالکان است.» عضو شورای شهر تهران گفت: «باید شهرداری با مالکان توافق کند و مشخص شود هریک از ساختمان‌ها در کدام‌یک از گروه‌های تعیین‌شده قرار می‌گیرند؛ دسته‌بندی ساختمان‌ها «مقاوم‌سازی»، «تعمیرات متوسط» و «نوسازی» هستند که این فرآیند زمان می‌برد.» امانی درباره زمان بازسازی گفت: «بازسازی حداقل سه سال زمان می‌برد. به‌علاوه آمار همواره تغییر می‌کند. یکی از حرف‌های من این بود که شهرداری آمار نهایی که تغییر نمی‌کند را اعلام کند.» او ادامه داد: «آخرین آماری که اعلام کردند، ۸۷۰۰ واحد است که ۵۰ درصد آن‌ها تنها نیاز به تعمیرات جزئی (نظیر تعویض پنجره و نقاشی) دارند که در مراحل پایانی است. ۵۰ درصد باقی‌مانده نیز خود به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ بخشی محدودتر نیاز به مقاوم‌سازی دارند و بخشی دیگر مستلزم تخریب و نوسازی کامل هستند. این نوسانات آماری عمدتاً ناشی از اختلاف‌نظر مالکینی است که ساختمان‌های آن‌ها در دسته مقاوم‌سازی قرار گرفته‌است.»